

شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۴۰۹

سیاسی

واکاوی کتاب امام موسی صدر درباره اسرائیل

اسرائیل آن شر مطلق

«اسرائیل، آن شر مطلق» این عبارت آتشین نه‌تنها یک توصیف ساده که فریادی بیدارگر بود که امام موسی صدر برای نخستین‌بار بر پیکر خفته جهان انداخت؛ فریادی که ماهیت پلید اشغالگری، تجاوزطلبی بی‌رحمانه و توحش بی‌حدوحصر رژیم صهیونیستی را آشکار می‌کرد.

از سال ۱۹۴۸، واژه‌هایی چون «سرزمین‌های اشغالی»، «تجاوز بی‌امان» و «حملات وحشیانه نیروهای اسرائیلی» همچون زخمی عمیق سرفصل اخبار خاورمیانه را خونین کرده است.

«اسرائیل، آن شر مطلق»؛ نه‌تنها یک کتاب که شمشیری از جنس حقیقت است. این اثر گزیده‌ای است درخشان از سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مصاحبه‌های امام موسی صدر که از گنجینه ۱۲ جلدی «گام به گام به امام» با دقت تمام برگزیده شده و از سوی موسسه فرهنگی – تحقیقاتی امام موسی صدر در سال ۱۴۰۴ منتشر شده است. این انتخاب هوشمندانه نه‌تنها معرفی جامعی از کتاب را پیش روی خواننده قرار می‌دهد، بلکه دریچهای بی‌واسطه به نگاه عمیق و افشاگرانه امام صدر نسبت به رژیم صهیونیستی می‌گشاید.

این کتاب آیینیابی بی‌غش است؛ آیینی‌ای که نبرد حق و باطل در منازعات مقاومت فلسطین و رژیم صهیونیستی، ایستادگی سرافرازانه مقاومت لبنان در برابر تجاوزهای ددمنشانه این رژیم و تعاملات پیچیده فلسطینیان با لبنان (بویژه در کوران جنگ‌های داخلی این کشور) را به وضوح بازتاب می‌دهد و اما در کانون این آیین، قامت استوار امام صدر ایستاده است؛ مردی که در میانه توفان این چالش‌ها، مبانی اصولی خود را در دفاع از جنوب لبنان و شیعیان، تقویت استقلال و یکپارچگی لبنان و در عین حال حمایت قاطعانه از مقاومت فلسطین با صلابت و اقتدار به زبان عمل ترجمه کرد.

■ **اسرائیل، تهدیدی علیه انسانیت**

در همان گام نخست و در مقدمه کتاب «اسرائیل، آن شر مطلق»، به شیوهای درخشان نگاه ژرف و هشداردهنده امام موسی صدر به رژیم صهیونیستی کوبیده می‌شود. در این بخش آمده کمتر فرصتی پیش آمده که امام صدر به ماهیت زشت اسرائیل و تهدیدهای هولناک و آسیب‌های ویرانگر آن علیه یکباره انسانیت، تمدن و تاریخ نبرداخته باشد و کمتر روزی بوده که قلب او از رنج و محنت سوزناک جنوب لبنان که نمره همسایگی اجباری با تجاوزهای بی‌امان اسرائیل است، به درد نیامده و از آن سخن نگفته باشد. امام صدر درباره ماهیت اسرائیل می‌گوید: «رسالت ما در لبنان، با رسالت اسرائیل در تضادی آشکار است. رسالت اسرائیل، نژادپرستی، مذهب‌گرایی کور و انکار همزیستی مسالمت‌آمیز است، در حالی که رسالت ما برای تمام بشریت همزیستی، گشودگی و بشردوستی مؤمنانه است. وجود ما نقیض وجود آنهاست.» و با قاطعیتی بی‌نظیر می‌افزاید: «اسرائیل ضداسلام و ضدمسیحیت، ضدایمان، ضدقومیت عرب، ضدمیهن و ضدانسانیت است».

■ **اسرائیل سراسر باطل است**

آنگونه که امام موسی صدر در بخش دیگری از این کتاب صریحاً اعلام می‌کند اسرائیل سراسر باطل است. این کتاب روشنتر نقل می‌کند در ششمین دوره مجلس ملی فلسطین که سال ۱۹۶۹ در قاهره برگزار شد، امام صدر پیام کوبنده خود را توسط نماینده ویژه خویش به این نشست تاریخی ارسال می‌کند: «برادران مجاهد! انقلاب شما، انقلابی است بر ضد دنیایی که صهیونیسم را با دیدید یا علمانده نادیده گرفت؛ دنیایی که آن را پدید آورد، پرورش داد و همواره بی‌دریغ از آن پشتیبانی کرد تا این غول سرکش، بالنده شد، دیگران را درید و بی‌شک، پدر و مادر خود را نیز خواهد درید و آخرین رشته‌های انسانیت موجود در جهان را بر باد خواهد داد. آری! اسرائیل زاینده تمدن سرکش مادی و نتیجه محنوم‌مبانی تمدن غربی است؛ طغیانی خودخواهانه و بشری که در پایان قرون وسطی، بر پایه انکار خدا و ارزش‌های والای انسانی بنا گذاشته شد».

■ **اسرائیل باید از صفحه عالم محو شود**

در این کتاب که بخشی از آن نیز به همین مضمون نلمگذاری شده، به یکی از قاطعانه‌ترین دیدگاه‌های امام موسی صدر اشاره می‌شود: «اسرائیل باید از صفحه عالم محو شود». این جمله، نه‌تنها انعکاسی از مواضع او، بلکه بیانگر علق باقر موسی به ماهیت رژیم صهیونیستی است. نخستین سالگرد جنگ اکتبر ۱۹۷۳ که با یورش غافلگیرانه سوریه و مصر در مقدس‌ترین روز یهودا، یوم کیبور علیه رژیم صهیونیستی آغاز شد و تا ۲۵ اکتبر ادامه یافت، شاهد سخنرانی تاریخی امام موسی صدر بود. این مراسم که با حضور شخصیت‌های سیاسی برجسته‌ای چون آقای صائب سلام، مأمور تشکیل کابینه جدید لبنان برگزار شد، فراتر از یک رویداد سیاسی صرف به‌صحنه تبیین عمیق‌ترین مطالبات محرومان و تعیین اصول همکاری با دولت نوپا بدل شد. امام صدر در آن روز سرنوشت‌ساز، با قاطعیت اعلام کرد: «ما حق داریم خواهان نابودی اسرائیل باشیم». این سخن، نه‌تنها انعکاسی از مواضع پیشین ایشان، بلکه گسستی جسورانه از هنجارهای سیاسی رایج بود، چرا که او با تکیه بر شکستن اسطوره نفوذناپذیری اسرائیل و با جسارتی که از باور به حقانیت ملت فلسطین نشأت می‌گرفت، اعلام کرد: «اسرائیل باید از صفحه عالم محو شود، زیرا اسرائیل با ساختار کنونی‌اش عنصری تجاوزکار و مخالف با حرکت بشری است».

■ **و در آخر، اسرائیل آن شر مطلق است**

این عنوان، نه‌تنها بخشی از کتاب بلکه گویای یکی از عمیق‌ترین و قاطعانه‌ترین دیدگاه‌های امام موسی صدر درباره ماهیت کیان غاصب اسرائیل است. امام صدر در یکی از درس‌های تحلیل سیاسی خود که با حضور اعضای ارشد جنبش امل برگزار می‌شد، به تبیین دقیق این تعبیر پرداخت. این کلاس‌های هفتگی که به محلی برای طرح مباحث بنیادین عقیدتی، فرهنگی و سیاسی بدل شده‌بود، فرصتی مغتنم برای درک عمیق‌تر اندیشه‌های امام فراهم می‌آورد.

آنچه مایه شگفتی و در عین حال تأمل است، بسامد بالای استفاده امام صدر از تعبیر «شر مطلق» برای توصیف اسرائیل است. این تعبیر جز یک مورد استثنایی که در نقد نظام فرقه‌ای لبنان به کار رفت، بارها و در مناسبت‌های گوناگون برای نمایان‌کردن چهره واقعی این کیان غاصب، بر زبان جاری شد.

لحن درمندنده و حزین امام صدر در طول این سخنرانی‌ها، عمق رنجی را آشکار می‌کند که از وضعیت تابسانمان جنوب لبنان نشأت می‌گرفت. این مشکلات از یک سو، پیامد تجاوزهای زیر Sherman ارتش رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر، ناشی از پیامدهای ناگوار قانون شکنی‌ها و تعرض‌های برخی گروه‌های فلسطینی و چپ لبنانی به اهالی منطقه بود که امام صدر را نگران می‌کرد.

در پایان باید اشاره کرد امام موسی صدر، اسرائیل را نه‌تنها یک اشغالگر و متجاوز، بلکه «شر مطلق» و تهدیدی اساسی علیه انسانیت، تمدن و تاریخ می‌دانست. در دیدگاه او، رسالت اسرائیل بر پایه‌های نژادپرستی، مذهب‌گرایی کور و انکار همزیستی بنا شده بود، در حالی که رسالت او، و پیروانش ترویج همزیستی، گشودگی و بشردوستی مؤمنانه بود. او صراحتاً اعلام می‌کرد اسرائیل ضداسلام، ضدمسیحیت، ضدایمان، ضدقومیت عرب، ضدمیهن و ضدانسانیت است. امام صدر، رژیم صهیونیستی را زاینده تمدن مادی غربی و نتیجه محتوم انکار خدا و ارزش‌های انسانی قلمداد می‌کرد و معتقد بود این کیان غاصب، سراسر باطل است و نهایتاً به نابودی خود منجر خواهد شد. این دیدگاه قاطع، در کتاب «اسرائیل» آن شر مطلق» که گزیده‌ای از سخنرانی‌ها و پیام‌های او است، به‌روشنی بیان شده و نمایانگر علق باقر او به ضرورت مبارزه با این پدیده شوم است.



روایتی از اعضای جبهه مقاومت در جریان تظاهرات اخیر

مقدمات انتقال به عتبات عالیات انجام داد. زمستان ۱۳۵۰ موسی صدر به درخواست مراجع وقت، با شاه ایران درباره برخی زندانیان سیاسی گفت‌وگو کرد که منجر به آزادی افرادی چون مرحوم هاشمی‌فستجانی شد. با به قدرت رسیدن حافظ اسد در سال ۱۳۵۰، همکاری‌های نزدیکی میان وی و صدر آغاز و سوریه به پناهمگاهی امن برای مبارزان ایرانی تبدیل شد. تابستان ۱۳۵۶ امام موسی صدر با برگزاری مراسم سوگواری

برای دکتر علی شریعتی در بیروت، از گسست پیوند جوانان تحصیلکرده با روحانیت جلوگیری کرد. پاییز همان سال، پس از شهادت آیت‌الله مصطفی خمینی، موسی صدر برادرزاده خود سیدمحمد باقر صدر را به حمایت بیشتر از امام خمینی (ره) و عربستان سعودی بر اهمیت انقلاب اسلامی ایران و ضرورت همبستگی با آن تأکید کرد. یک هفته پیش از ربوده شدن، در شهریور ۱۳۵۷ مقاله «ندای پیامبران» را در روزنامه لوموند منتشر و امام خمینی (ره) را به عنوان تنها رهبر انقلاب اسلامی معرفی کرد.

■ **سفر بی‌پایان گشت: معمای ناپدید شدن امام موسی صدر**

سوم شهریور ۱۳۵۷ امام موسی صدر به همراه شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین که خبرنگار بود، بنا به دعوت رسمی معمر قذافی، رهبر وقت لیبی وارد طرابلس، پایتخت این کشور شد. اقامتگاه او هتل الشاطی در قلب پایتخت بود. هدف اعلام شده از این سفر شامل تبیین اندیشه تشیع، دعوت به انسجام اسلامی و تشریح مواضع تاریخی و کنونی شیعیان بویژه در قبال مسأله فلسطین بود اما تنها ۶ روز بعد ناگهان برپه اهدام بر سر شوش امام صدر و همراهانش افتاد. او به شکلی مرموز و بی‌سروصدای ربوده شد. این خبر به سرعت در محافل سیاسی و مذهبی منطقه پیچید و موجی از نگرانی و خشم را به دنبال داشت.

دولت لیبی در برابر فشارهای فراینده افکار عمومی و سوالات بی‌شمار تلاش کرد قریبت را کتمان کند. مقامات لیبیایی با صدور اعلامیه‌ای رسمی ادعا کردند امام صدر و همراهانش در همان روز ۹ شهریور با پرواز شماره ۸۸۱ هواپیمایی ایتالیا، طرابلس را به مقصد رم ترک کرده‌اند اما این ادعا مدت زایدی دوام نیاورد. در لبنان کمیته‌ای مستقل برای تحقیق درباره سرنوشت امام موسی صدر تشکیل شد. این کمیته با بررسی دقیق مدارک، اسناد و شواهد موجود خیلی زود در یافت ادعای حکومت لیبی دروغین است و هیچ مدرکی دال بر خروج امام صدر و همراهانش از لیبی وجود نداشت. حقیقت تشه نمایان شد: آن عالم بزرگ در همان خاک لیبی ربوده شد. بود. از آن تاریخ شوم تا امروز دهه‌های گذرد و با وجود پیگیری‌های بی‌وقفه، تلاش‌های بین‌المللی و مبارزات حقوقی خانواده و دوستداران امام موسی صدر هنوز هم هیچ خبری از سرنوشت او به دست نیامده است. معمای ناپدید شدن آنها به یکی از بزرگ‌ترین رازهای سر به مهر تاریخ معاصر خاورمیانه تبدیل شده و امام موسی صدر همچنان غایب حاضر در آذهان و قلب‌های مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان باقی مانده است.

هزاران شیعه آواره پناهگاه و امید خود را در «امل» یافتند. این جنبش که با همکاری دکتر مصطفی چمران سازماندهی شد، به سرعت به یک نیروی نظامی و سیاسی قدرتمند در عرصه لبنان بدل شد. این نخستین‌بار بود که نیروی شبه‌نظامی سازمان‌یافته از شیعیان در صحنه سیاسی لبنان حضور می‌یافت و معادلات قدرت را تحت تأثیر قرار می‌داد.

امام موسی صدر، فراتر از تأسیس نهادهای سیاسی، رویکردی جامع به بازسازی اجتماعی جامعه شیعه داشت. او با درک عمیق از ضرورت همبستگی ملی، پیشگام ایجاد سازوکارهای اجتماعی برای گفت‌وگوی ادیان شد. در همین راستا در سال ۱۳۴۱ شمسی با همکاری و همراهی مطران گریگوری حداد، رهبر برجسته مسیحیان کاتولیک لبنان، «حرکت اجتماعی» را پایه‌گذاری کرد. او حتی زمستان ۱۳۵۲ خطبه‌های عید موعظه روزه را در کلیسای کیوشیین بیروت ایراد کرد و در صورت عدم وقوع جنگ داخلی، قصد داشت کاردینال مارونی لبنان را برای ایراد خطبه در یکی از نمازهای جمعه دعوت کند. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش صدر برای ایجاد درک متقابل و همبستگی میان پیروان ادیان مختلف بود.

در راستای همفکری و وحدت اسلامی، امام موسی صدر در تابستان ۱۳۴۲ طرحی نو برای همکاری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب با حوزه‌های علمیه شیعه لبنان ارائه داد. او همچنین بهار ۱۳۴۴ نخستین دور گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت را در مؤسسه فرهنگی «الندوه اللبنانیة» برگزار کرد. پس از جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶، دیدارش با پاپ که بیش از ۲ ساعت به طول انجامید، نشان‌دهنده اهمیت ارتباطات بین‌المللی در دیدگاه صدر بود. همچنین عضویت در مرکز اسلام‌شناسی استراسبورگ و مجمع بحوث اسلامی قاهره به بسط و انتشار اندیشه‌های شیعه و تقویت وحدت اسلامی کمک شایانی کرد.

امام موسی صدر بیش از هر چیز، به فکر ایجاد جامعه‌ای مقاوم در برابر تجاوزات خارجی بود. سال ۱۳۴۹ «کمیته مدافع از جنوب» را با گرد هم آوردن رهبران مذهبی مسلمان و شیعه از جنوب لبنان تأسیس کرد. همچنین با اعزام جوانان شیعه به مصر برای فراگیری فنون نظامی و سازماندهی نخستین کادرهای مقاومت، پایه‌های «مقاومت لبنان» را بنا نهاد. پس از بمباران جنوب لبنان در سال ۱۳۴۹، اعتضالی بی‌سابقه به دعوت صدر، دولت را وادار به تأسیس مجالس جنوب برای بازسازی مناطق جنگی کرد. این تلاش‌ها در نهایت به شکل‌گیری واحدهای مقاومت و عملیات‌های بزرگ علیه تجاوزات اسرائیل منجر شد. صدر با فشارهای طرح سازشکارانه توطین پناهندگان فلسطینی، نقش کلیدی در حفظ یکپارچگی لبنان ایفا کرد.

موسی صدر، علاوه بر مسائل داخلی لبنان نگاهی عمیق به مسائل جهان اسلام داشت. سال ۱۳۴۲ به دنبال دستگیری امام خمینی (ره)، صدر با سفر به اروپا و شمال آفریقا از طریق واتیکان و الانزه، شاه ایران را برای آزادی ایشان تحت فشار قرار داد. متعاقب تبعید امام (ره) به ترکیه در پاییز ۱۳۴۳، صدر مجدداً پیگیری‌هایی را برای تأمین امنیت ایشان و فراهم آوردن

در دست گیرد. آیت‌الله‌العظمی بروجردی، مرجع بزرگ وقت این دعوت را با تأیید خویش مهر زد. بدین‌سان سفر آغاز شد؛ سفری که نه‌تنها مسیر زندگی امام صدر که تقدیر یک ملت را تغییر داد.

لبنان در آن روزگار سرزمینی بود که مرزهایش با فلسطین به آتش جنگ و حضور رژیم صهیونیستی گره خورده بود. از همان نخستین سال‌های استقلال، این کشور کوچک به میدان پریه‌بازی نزاع‌های قومی و مذهبی خاورمیانه بدل شده بود. در چنین سرزمینی، امام صدر پا به خاکی گذاشت که همواره خط مقدم کشمکش‌ها خوانده می‌شد اما آنچه بیش از همه نگاه او را خیره کرده، نه فقط صدای توپخانه‌ها که فقر و حاشیه‌نشینی تلخ شیعیان بود. مردمانی محروم با بیکاری گسترده، از نظر آموزشی عقب‌مانده و جایگاهی فراموش‌شده در ساختار سیاست و اقتصاد کشور. از همین زمان امام موسی صدر فعالیت‌های دینی و فرهنگی خود را در مناطق شیعه‌نشین لبنان آغاز کرد و با مطالعات عمیق، ریشه‌های عقب‌ماندگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان را بررسی کرد. او از اواسط سال ۱۳۳۹ برنامه‌های کوتا‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را به اجرا درآورد؛ از جمله در زمستان همان سال با تجدید سازمان جمعیت خیریه «البر و الاحسان» به تأمین مالی خانواده‌های بی‌بضاعت پرداخته و تکتی را در شهر صور و اطراف آن ریشه‌کن کرد. سپس در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۸ با رانداندازی ده‌ها جمعیت خیریه و مؤسسه فرهنگی و حرفه‌ای در سراسر لبنان منجر به ایجاد اشتغال و خودکفایی اقتصادی برای هزاران خانواده، کاهش چشمگیر بی‌سوادی، رشد فرهنگ عمومی و اجرای صدها پروژه عمرانی در مناطق محروم شد.

■ **از تأسیس نهادهای سیاسی تا سازمان‌های اجتماعی**

در پی اجتماعات پرشور شیعیان لبنان در سال ۱۳۴۵، امام موسی صدر گامی قاطعانه در جهت احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی آنان برداشت. او با درخواستی رسمی از حکومت لبنان، خواستار تأسیس نهادهای قانونی برای طایفه شیعه شد؛ درخواستی که ریشه در سال‌ها محرومیت و تلاش برای دستیابی به جایگاه شایسته داشت. این درخواست سراز آغاز فصلی نوین در تاریخ سیاسی لبنان بود. نتیجه تلاش‌های بی‌وقفه امام صدر در اول خرداد ۱۳۴۸ با تأسیس «المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی» (مجلس اعلای شیعیان) به ثمر نشست. این مجلس که نخستین بخش از برنامه بلندمدت صدر برای توانمندسازی جامعه شیعه به شمار می‌رفت با اکثریت قاطع آرا، او را به عنوان نخستین رئیس خود برگزید. هم‌زمان با تثبیت جایگاه رسمی، امام موسی صدر دست به اقدامی نوآورانه زد: تأسیس جنبش مردمی «امل» (فوج المقاومة اللبنانیة/نیروهای مقاومت لبنان). این جنبش که بر پایه اصول تشیع، ایمان، اخلاص و صداقت بنا نهاده شده بود با هدف ریشه‌کن کردن آثار محرومیت و بشرف‌ت همه‌جانبه شیعیان شکل گرفت. «امل» نهایتاً یک سازمان سیاسی نبود، بلکه آیینی‌های بود از بازگشت شیعیان به هویت اصیل و توانایی‌های بالقوه خود. در کوران حملات نیروهای صهیونیستی،

چهاردهم خرداد ۱۳۰۷، شهر قم شاهد تولد نوزادی بود که بعدها نامش در تاریخ معاصر خاورمیانه طنین‌انداز شد؛ سیدموسی صدر.

او در خانواده‌ای چشم به جهان گشود که علم و مرجعیت در رگ‌هایش جاری بود. پدرش آیت‌الله‌العظمی سیدصدرالدین صدر، یکی از مراجع ثلاث قم و از چهره‌های برجسته حوزه و مدرش بی‌بی‌صفیه، دختر آیت‌الله‌العظمی حاج‌آقا حسین قمی، مرجع بزرگ شیعیان بود. این پیوند خانوادگی، سیدموسی را از همان آغاز در بستر سنت علمی و دینی ریشه‌دار قرار داد اما داستان ریشه‌های او تنها به قم ختم نمی‌شود. نسب خانوادگی سیدموسی صدر به سیدصالح از اهالی روستای شحور در منطقه جبل عامل لبنان می‌رسد؛ دباری که قرن‌ها خاستگاه علمای بزرگ شیعه بوده است. خاندان صدر در حقیقت میراث‌دار نسبی کهنند؛ نسبی که تا امام موسی بن جعفر(ع) امتداد می‌یابد.

موسی صدر سال ۱۳۳۴ پیامان عشق و زندگی را با پروین خلیلی، دختر شیخ عزیزالله خلیلی بست. این پیوند مبارک ۴ ثمره داشت: صدرالدین، حمید حورا و ملیحه اوایل دهه ۱۳۵۰، صدرالدین و حمید رهسپار پاریس شدند تا آنجا به تحصیل علم بپردازند. چند سال بعد حورا نیز در ۱۴ سالگی در سال ۱۳۵۵، راهی پاریس شد و سال بعد ملیحه ۶ ساله همراه مادر به جمع خانواده پیوست.

■ **از حوزه قم تا دانشگاه تهران**

ریشه‌های فکری امام موسی صدر در خاک ایران در شهر قم جوانه زد. نوجوانی‌اش با پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش گره خورده و آنگاه با در وادی حوزه علمیه قم گذاشت تا علوم دینی بیاموزد. در این دوران او شاکرادی استادان بزرگی چون امام خمینی(ره) را تجربه کرد. نه تنها علوم دینی که گستره دانش امام صدر به دانشگاه نیز کشیده و شد. او در دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته حقوق و اقتصاد آموزش دید.

پس از اتمام دوران پرثمر دانشگاه، موسی صدر به دعوت پدر به قم بازگشت و ردای روحانیت و علم دینی را بر تن کرد. در این دوران، او محله وزین «مکتب اسلام» را بنیان نهاد تا چراغ راه اندیشه‌ها باشد اما تقدیر، او را به سوی افق‌های تازه‌تری فرامی‌خواند. با درگذشت پدر، امام صدر رهسپار نجف اشرف در عراق شد تا در محضر عالمان برجسته‌ای چون محسن حکیم و ابوالقاسم خوینی، دانش اسلامی را عمیق‌تر و عمیق‌تر بیاموزد.

■ **سفری که لبنان را با نام موسی صدر گره زد**

اواخر سال ۱۳۳۸ ورق تازه‌ای در سرنوشت لبنان و شیعیان آن رقم خورد. پس از درگذشت عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، زعیم دینی جنوب لبنان، وصیت او و خواست عمومی مردم به یک نام گره خورد: سید موسی صدر. نام‌های سرشار از امید و التماس از دیار جبل عامل به او رسید؛ نامه‌ای که از او می‌خواست رنج هجرت را بر دوش کشد و پرچم رهبری شیعیان لبنان را

امام موسی صدر در دوران جوانی

گروه سیاسی: در دل تاریکی یک معمای کهن، جایی که سسایه‌ها بر حقیقت سنگینی می‌کند و زمان، مرز میان واقعیت و افسانه را در هاله‌ای از ابهام قرار داده، یک داستان مهم در خاورمیانه را ناپدید شدن و از شواهدی که همچون جرقه‌هایی در شب، راه را به سوی حقیقتی تلخ می‌نمایند، همچنان وجود دارد: «داستان امام موسی صدر».

ایمن بسار، این بی‌بی‌سی است که با رویکردی مستندگونه می‌خواهد پرده از راز ناپدید شدن امام موسی صدر بردارد؛ روحانی برجسته‌ای که ۵ دهه پیش در قلب لیبی به یکباره ناپدید شد و حالا بی‌بی‌سی به گزارش مستند نه‌تنها بر تصاویر و تحلیل‌ها تکیه زده، بلکه با گره زدن علم و تاریخ به دنبال تأیید فرضیه‌ای است که سال‌هاست خاورمیانه را در گیر خود کرده: «فرضیه شهادت امام موسی صدر».

تصور کنید در گوشه‌ای از شمال انگلستان در دانشگاه «بردفورد» که شاید روزگاری پناهگاه اندیشه‌های علمی بود، پروفیسور «حسن اوگیل» دانشمندی از جنس الگوریتم‌ها غرق در بررسی‌های عکسی است که نقاب از صورتی متلاشی بر داشته است. این عکس نه‌تنها یک تصویر، بلکه کلیدی است در دستان او برای گشودن قفلی که نزدیک به نیم قرن می‌شود بر سینه خاورمیانه کوبیده شده است.

بی‌بی‌سی به صدايي که گویی از اعماق تاریخ سخن می‌گوید، ماجرا را اینگونه روایت می‌کند: «عکس اصلی را یک خبرنگار گرفته بود». خبرنگاری که سال ۲۰۱۱، در دل سردخانه‌ای مخفی در طرابلس با جسدی روبه‌رو شد که شاید و تنها شاید متعلق به همان روحانی گمشده، یعنی موسی صدر است؛ همان فردی که شهریور ۱۳۵۷ در اوج گرمای تابستان و در جبهه تحولات منطقه به همراه ۲ نفر دیگر سفری به لیبی داشت اما به یکباره ناپدید شد تا سایه این معما سال‌ها بر تاریخ خاورمیانه سنگینی کند.

بی‌بی‌سی با کتار هم گذاشت این قطعات، تصویری را ترسیم می‌کند که در آن یک خبرنگار لبنانی – سوئدی



طاها سهراب پور

نقدی بر مستند بی‌بی‌سی از امام موسی صدر

بازی با احتمالات یا توطئه سکوت؟

به نام «قاسم حماده» در سال ۲۰۱۱ درست هم‌زمان

با فروریختن دیوارهای حکومت قذافی به گنجی تلخ دست می‌یابد: جسدی که ۳۰ سال تمام در میان انبوهی از ناشناس‌ها انتظار کشیده و سپس یک یافته دیگر به روایت اضافه می‌کند و آن هم آسیب‌دیدگی در مجمه جسد است. بی‌بی‌سی با این یافته‌ها فرضیه قتل و اعدام را که تا پیش از این تنها در هاله‌ای از ابهام قرار داشت، قوت می‌بخشد. کاملاً مشخص است راوی با این جزئیات می‌خواهد مخاطب را به سمت نتیجه‌گیری خاصی هدایت کند.

در این نقطه از داستان، جایی که جست‌وجو برای یافتن حقیقت به اوج خود می‌رسد، صدای دیگری نیز به گوش می‌رسد و آن هم صدای خانواده امام موسی صدر است؛ صدایی که با صدور بیانیه‌ای پرده از دیدگاه خود برمی‌دارد و بر نکته‌ای اساسی انگشت می‌گذارد: «تصور جسد در مستند بی‌بی‌سی به دلیل تفاوت‌های بارز در ویژگی‌های ظاهری از جمله شکل چهره و رنگ مو نمی‌تواند متعلق به امام باشد».

اما این تمام ماجرا نیست. در بیانیه خانواده امام موسی صدر گلاویه‌ای عمیق‌تر نیز نهفته است و آن اینکه بی‌بی‌سی، بدون کسب اطلاع یا اجازه از تصاویر شخصی صدر برای مقایسه بهره برده است. این اقدام نه‌تنها پرسش‌هایی را درباره رعایت حریم خصوصی مطرح می‌کند، بلکه اعتبار روش‌شناختی مستند را نیز زیر سوال می‌برد.

ماجرای به این سادگی‌ها نیست و روایت بی‌بی‌سی هرچند جذاب و پیر از جزئیات است اما هنوز تمام قصه را برای ما روشن نکرده است. در واقع همان‌طور که قاضی «حسن شامی» دبیر کمیته رسمی پیگیری پرونده و نماینده خانواده صدر در مصاحبه با بی‌بی‌سی عربی بدرستی اشاره می‌کند «بی‌بی‌سی هیچ دلیل و مدرک قاطعی ارائه نکرده است». این یعنی تمام آن شباهت‌ها، تمام آن نرم‌افزارها و تمام آن فرضیه‌ها در نهایت به یک نقطه نامعلوم ختم می‌شود. گویی مستند کوهی را توصیف می‌کند اما سندی دال بر وجود آن

^[1] بی‌بی‌سی به صدايي که گویی از اعماق تاریخ سخن می‌گوید، ماجرا را اینگونه روایت می‌کند: «عکس اصلی را یک خبرنگار گرفته بود». خبرنگاری که سال ۲۰۱۱، در دل سردخانه‌ای مخفی در طرابلس با جسدی روبه‌رو شد که شاید و تنها شاید متعلق به همان روحانی گمشده، یعنی موسی صدر است؛ همان فردی که شهریور ۱۳۵۷ در اوج گرمای تابستان و در جبهه تحولات منطقه به همراه ۲ نفر دیگر سفری به لیبی داشت اما به یکباره ناپدید شد تا سایه این معما سال‌ها بر تاریخ خاورمیانه سنگینی کند

^[2] بی‌بی‌سی با کتار هم گذاشت این قطعات، تصویری را ترسیم می‌کند که در آن یک خبرنگار لبنانی – سوئدی